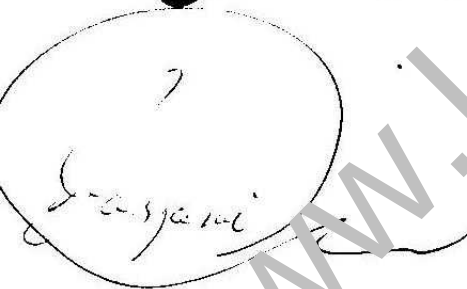


به نام خدا

زندگی در باران از کدزگاه عشق



تألیف:

حامد فرجامی

سرشناسه	: فرجامی، حامد، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: زندگی دوباره، از گذرگاه عشق / تألیف حامد فرجامی.
مشخصات نشر	: شیراز: بازتاب فرهنگ، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۳۰۷-۸-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: فرجامی، حامد، ۱۳۵۸ - -- خاطرات
موضوع	: نگرش (روان شناسی) -- تغییر
موضوع	: Attitude change
موضوع	: موفقیت -- جنبه های روان شناسی
موضوع	: Success -- Psychological aspects
موضوع	: داستان های یادداشت گونه
موضوع	: Diary fiction
رده بندی کتبی	: ۱۳۹۵ ۳۱۳۵ / ۱۸۸۸CT
رده بندی دیویدی	: ۰۵۵/۹۲۰
شماره کتابشناسی	: ۴۵۳۰۴۱



آدرس: خیابان مشیر فاطمی، پلاک ۱۱، طبقه دوم

تلفن: ۰۹۱۲۷۱۹۴۳۱۶، ۰۹۱۷۱۱۱۶۴۶

hassanshohrabihsaadi863@gmail.com

□□□

زندگی دوباره، از گذرگاه عشق

تألیف: حامد فرجامی

□□□

مدیر اجرایی: و ناظر چاپ: امیر طاهری

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۳۹۶ / شمارگان: ۱۰۰۰ / نسخه / شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۳۰۷-۸-۳

□□□

ویراستار: امیر طاهری / صفحه‌آرا: اطلس دهقانی / طرح جلد: حامد فرجامی

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

□□□

حق چاپ محفوظ است.

□□□

مرکز پخش: تهران میدان ولیعصر - ابتدای خیابان کریم خان انتشارات نسل نو اندیش

شیراز: خیابان مشیر فاطمی انتشارات بازتاب فرهنگ

تلفن: ۰۷۱۳۳۳۳۶۰۶۵

انسان‌ها سرشار از توانایی‌ها و مصادیق و مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می‌کنند که ممکن است در برابر این مشکلات عکس‌العمل‌های متفاوتی از خود نشان دهند، اما مسئله در بسیاری از موارد این است که نحوه‌ی واکنش افراد نسبت به مسائل پیرامونشان به عوامل فرهنگی، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی گوناگونی بستگی دارد. نکته‌ی پرداختن به هر کدام از آن‌ها نیاز به تخصص و تجربه‌ی کافی در هریک از این زمینه‌ها دارد که از دایره‌ی بحث ما نیز خارج است، اما چیزی که واضح و روشن می‌باشد این است که مجموعه‌ی این عوامل، تشکیل‌دهنده‌ی چیزی بنام باور و اعتقاد در ضمیر ناخودآگاه انسان است که رفتارها و اعمال او را هدایت و مدیریت می‌کند. به طور مثال کسی که در دوران کودکی در پی آموزش تعلیم و تربیت توسط والدین خود به این باور رسیده است که علی‌رغم احساس درد و خستگی در زانوهایش نباید پاهایش را جلوی بزرگترها دراز کند، سعی دارد درد را تحمل نماید و کاری خلاف باور و اعتقادی که نسبت به این موضوع دارد را انجام ندهد. بنابراین هرچند که با دراز نکردن پاهایش متحمل درد و رنج شود، هیچ‌گاه به خودش اجازه نخواهد داد که حتی برای چند دقیقه هم که شده به پاهایش استراحت

دهد، زیرا خودش را نسبت به آموخته‌هایش پایبند می‌داند. حال چنانچه به این شخص گفته شود که رفتارش اشتباه است و اعتقادات غلطی دارد، مسلماً مقاومت خواهد کرد و سعی می‌کند از باورهایش دفاع نماید زیرا این آموزه‌ای است که او از کودکی با آن رشد کرده، خو گرفته و در ضمیر ناخودآگاهش به صهرت باور در آمده است. تغییر آنچه در ضمیر ناخودآگاه یک فرد نهادینه شده، کار چندان ساده‌ای نیست. نیاز فرد به تغییر باورهایش در درجه اول اهمیت قرار دارد و پس از آن تغییر باورها و اعتقادات یک فرد مستلزم زمان کافی و مداومت است. بر گذر زمان دارد، زیرا از آغاز پیدایش بشر همیشه این نیاز بوده که موجب ایجاد یک تحول شده است.

قصد من از بیان این مطلب شروع مقدمه‌ای بود بر داستان پیش رو تا با روشن شدن ابعاد آن کلیت موضوع و هدف از این نوشتار برای خواننده روشن شود.

هدف من از نوشتن این کتاب در درجه اول بیان تجربیاتی است که در زمینه تغییر نگرش و باورهای شخصی خود نسبت به مسائل، اتفاقات و محیط پیرامون خود بدست آوردم از یک سو و در درجه دوم سهیم شدن آن با تمام کسانی است که قصد دارند زندگی را آنگونه که من اکنون می‌بینم تجربه کنند. بنابراین تصمیم گرفتم که از رویدادهایی که برای من پیش آمده و تجربه کرده‌ام بهره بجویم و این مطلب را عنوان کنم که شما صاحب یک قدرت عظیم و شگفت الهی در درون خود هستید که در همین لحظه نیز پایدار و مشغول به کار است. اگر این گونه نبود اکنون در حال خواندن سطور این نوشتار نبودید. بنابراین یقین دارم که

این کتاب بسا راه روشنی را در زندگی فرا روی شما بگشاید.

آنچه که قصد دارم برای شما عزیزان روایت کنم ممکن است در نگاه اول بیشتر شبیه به یک داستان رمانتیک و ساختگی باشد که باور کردنش برای هر خواننده‌ای غیر قابل پذیرش به نظر برسد، اما از سوی دیگر ممکن است برای افرادی که از قدرت بی حد و حصر ذهن انسان آگاهی دارند، به منتهای تجربه‌ای عادی و پیش پا افتاده باشد.

هدف من از نگارش این داستان القای یک طرز تفکر کلیشه‌ای به خواننده و یا بهره‌بردش نیست، بلکه مقصود من به عنوان یک راوی گشودن چشم مخاطب و همچنین جلب توجه بسی کسان به سوی اتفاقاتی است که شاید در طول زندگی هر یک از ما بارها رخ داده باشد، اما هر بار با بی‌توجهی از کنار آن می‌سده ایم، در صورتی که می‌توان با کسب علم و آگاهی از چرایی و چگونگی وقوع پیوستن این اتفاقات به ظاهر ساده و بی‌اهمیت، موفق به کشف راز عظیمی شد که زندگی ما را متحول و دگرگون کند. من خود زمانی موفق به کشف این راز بزرگ شدم که با اتفاقاتی به ظاهر شگرف و معجزه آسا در زندگی شخصی‌ام روبرو گشتم. بنابراین تصمیم گرفتم تا با شرح ماجراها و وقایعی که تا به امروز در زندگی من رخ داده است، دین خود را نسبت به لطیف بزرگی که خداوند به من داشته است ادا کنم.

اکنون که در حال روایت این داستان برای شما می‌باشم، در آستانه سی و پنج سالگی هستم و تا به امروز مطالعات زیادی در باب قدرت درون، خود شناسی و خود آگاهی، نیروی ذهن و روانشناسی موفقیت، انجام داده‌ام.